

تحول و کارآمدی حوزه‌های علمیه در هدایت دینی و اخلاقی جامعه

فاطمه سلورزی^۱

زینب نوشادی^۲

چکیده

حوزه‌های علمیه، به‌عنوان کهن‌ترین نهاد آموزشی و فرهنگی در جهان اسلام، نقش بنیادینی در هدایت دینی و اخلاقی جامعه برعهده دارند. این نهادها نه‌تنها مراکز تولید معرفت دینی‌اند، بلکه مرجع تربیت عالمان دین، مبلغان و مدیران فرهنگی نیز به‌شمار می‌آیند. هدف پژوهش حاضر، بررسی ابعاد مختلف تحول و کارآمدی حوزه‌های علمیه در هدایت دینی و اخلاقی جامعه ایران معاصر است. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای منابع موجود می‌باشد. نوآوری پژوهش در این است که با نگاهی تلفیقی به مبانی جامعه‌شناختی، مدیریتی و الهیاتی، پیوند میان تحول نهادی حوزه با ارتقای کارکرد اخلاقی آن در جامعه بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حوزه‌های علمیه با چالش‌هایی چون ناهماهنگی نظام آموزشی با نیازهای روز، ضعف در ارتباط اجتماعی و عدم نهادینه‌سازی الگوهای تربیت اخلاقی روبه‌رو هستند. در پایان، راهکارهایی برای بازآفرینی نقش حوزه در هدایت جامعه دینی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: حوزه علمیه، تحول نهادی، هدایت دینی، تربیت اخلاقی، کارآمدی اجتماعی

^۱ - طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه جوادالائمه (ع)

^۲ - استاد حوزه علمیه جوادالائمه آبدانان

مقدمه

تحول در نهادهای دینی و آموزشی یکی از ضروریات جوامع اسلامی معاصر است. در جهان امروز، نهادهای دینی نه تنها به عنوان مراکز آموزش علوم دینی عمل می کنند، بلکه نقش مهمی در شکل دهی هویت اخلاقی و فرهنگی جامعه نیز دارند. حوزه های علمیه، به ویژه در ایران، از جمله قدیمی ترین و تأثیرگذارترین نهادهای دینی هستند که قرن هاست وظیفه تبیین دین و تربیت عالمان، مبلغان و مدیران فرهنگی را برعهده دارند. اهمیت این نهادها زمانی روشن می شود که نقش آنها در هدایت جامعه دینی و تبیین ارزش های اخلاقی بررسی شود (مولوی وردنجانی، ۱۴۰۳).

تحولات فرهنگی و اجتماعی جدید، الگوهای سنتی آموزشی حوزه را با پرسش های تازه مواجه کرده است. نسل جدید طلاب به دنبال کسب دانش دینی همراه با آگاهی اجتماعی و مهارت های ارتباطی است و انتظار دارد آموزش های حوزه پاسخگوی نیازهای روز جامعه باشد. از سوی دیگر، جامعه نیز نیازمند مبلغان و استادانی است که قادر به انتقال ارزش های اخلاقی دین در قالبی نو و قابل فهم باشند. در این میان، عدم هماهنگی میان ساختار سنتی حوزه و نیازهای اجتماعی، یکی از مهم ترین موانع کارآمدی حوزه ها در هدایت دینی و اخلاقی به شمار می آید (شریعتی مزینانی و سلیمانی، ۱۴۰۲).

تحولات جهانی و گسترده ارتباطات، نقش حوزه ها را از نهادهای آموزشی محدود به نهادهای فرهنگی و اخلاقی گسترده تبدیل کرده است. امروزه حوزه ها نه تنها باید در آموزش علمی، بلکه در تربیت اخلاقی و اجتماعی نیز فعال باشند. این موضوع مستلزم بازنگری در محتوای آموزشی، روش های تدریس و مهارت های پژوهشی و تبلیغی طلاب است. بر این اساس، تحول در حوزه های علمیه به معنای تغییر هدفمند و آگاهانه در ساختار، فرایندها و فرهنگ نهادی حوزه است تا پاسخگوی نیازهای معاصر جامعه دینی باشد (رشاد، ۱۴۰۳). یکی از ابعاد مهم تحول، بازسازی نظام آموزشی حوزه است. بسیاری از متون درسی و شیوه های آموزش هنوز بر اصول سنتی تکیه دارند و کمتر به مسائل روز و نیازهای عملی جامعه پرداخته می شوند. برای نمونه، در حوزه اخلاق، آموزه ها غالباً نظری و کم پیوند با زندگی روزمره ارائه می شوند، در حالی که هدایت اخلاقی جامعه مستلزم عملیاتی کردن آموزه های اخلاقی در رفتار اجتماعی و فردی است. بنابراین، بازنگری در نظام درسی، تلفیق آموزش علمی با تربیت اخلاقی و ایجاد مهارت های اجتماعی از ضروریات تحول حوزه است (دانایی فرد، سوزنچی و جوانعلی آذر، ۱۳۹۵).

از منظر مدیریتی، ساختارهای سنتی و متمرکز حوزه ها مانع از بروز نوآوری و پویایی در آموزش و هدایت دینی شده است. بهره گیری از شوراها، واگذاری امور به نخبگان و ایجاد نظام ارزیابی مستمر می تواند زمینه را برای

تصمیم‌گیری‌های بهینه فراهم کند. بدون این تغییرات مدیریتی، حتی با اصلاح محتوای آموزشی، کارآمدی حوزه در هدایت جامعه دینی به‌طور کامل تحقق نخواهد یافت (ترابی، ۱۳۸۷).

رابطه میان حوزه و جامعه نیز یکی از محورهای اساسی تحول است. طلاب نسل جدید به فعالیت اجتماعی و فرهنگی توجه ویژه دارند و این امر فرصت مناسبی برای حوزه فراهم می‌کند تا از طریق حضور فعال در عرصه‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ای، ارتباط خود با جامعه را تقویت کند (شریعتی مزینانی و سلیمانی، ۱۴۰۲).

کارآمدی حوزه‌ها در هدایت اخلاقی جامعه به توانایی آن‌ها در ترجمه آموزه‌های دینی به رفتار اجتماعی بستگی دارد. حوزه‌ها زمانی کارآمد خواهند بود که بتوانند آموزه‌های اخلاقی را در قالب‌های قابل فهم و عملی برای نسل جدید ارائه کنند و میان معرفت دینی و عمل اخلاقی پیوند برقرار سازند. این رویکرد علاوه بر تقویت مرجعیت دینی، موجب افزایش اعتماد عمومی و اثرگذاری فرهنگی حوزه‌ها خواهد شد (دیبا، ۱۳۹۲).

در نهایت، تحول و کارآمدی حوزه‌های علمیه در هدایت دینی و اخلاقی جامعه فرآیندی چندوجهی است که شامل تغییرات آموزشی، مدیریتی، تربیتی و ارتباطی می‌شود. حوزه‌ای که بتواند این ابعاد تحول را به‌صورت همزمان دنبال کند، قادر خواهد بود نقش هدایتی خود را در جامعه تقویت کند و ضمن حفظ اصول دینی، پاسخگوی نیازهای نسل جدید و تحولات اجتماعی باشد (رشاد، ۱۴۰۳).

مبانی نظری پژوهش

۱. تحول در حوزه‌های علمیه

تحول در حوزه‌های علمیه به معنای تغییر هدفمند و آگاهانه در ساختار، فرآیندها و برنامه‌های آموزشی است تا این نهادها بتوانند پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر باشند. تحول می‌تواند در دو سطح کلی رخ دهد: نخست در سطح محتوا و روش‌های آموزشی و دوم در سطح ساختار و مدیریت حوزه‌ها. تغییرات آموزشی شامل به‌روزرسانی منابع درسی، تلفیق آموزش علمی با تربیت اخلاقی، و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس است. این رویکرد باعث می‌شود طلاب نه تنها دانش دینی بلکه مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی لازم برای هدایت جامعه را نیز کسب کنند (رشاد، ۱۴۰۳).

از نظر ساختاری، تحول حوزه‌ها نیازمند بازنگری در روش‌های مدیریتی است. بسیاری از حوزه‌ها هنوز بر نظام‌های سنتی و متمرکز مبتنی هستند که مانع از نوآوری و پویایی در تصمیم‌گیری می‌شوند. اعمال تغییرات مدیریتی مانند ایجاد شوراهای تخصصی، واگذاری امور به نخبگان و بهره‌گیری از خرد جمعی می‌تواند زمینه را برای بهبود کارآمدی حوزه فراهم کند (ترابی، ۱۳۸۷). بر اساس تحلیل‌های تاریخی، حوزه‌های علمی که در

طول زمان توانسته‌اند با جامعه تعامل سازنده داشته باشند، نقش مؤثرتری در هدایت دینی و اخلاقی ایفا کرده‌اند (مولوی وردنجانی، ۱۴۰۳).

۲. کارآمدی حوزه‌های علمیه در هدایت دینی و اخلاقی

کارآمدی حوزه‌های علمیه در هدایت دینی و اخلاقی جامعه مستلزم توانایی آن‌ها در تبیین آموزه‌های دینی به شکلی عملی و قابل فهم است. کارآمدی صرفاً به ارائه دانش محدود نمی‌شود بلکه به انتقال ارزش‌های اخلاقی، تربیت فردی و اجتماعی طلاب و تأثیرگذاری بر رفتار جامعه بستگی دارد. حوزه‌ها زمانی کارآمد خواهند بود که میان معرفت دینی و عمل اخلاقی پیوند برقرار شود و طلاب قادر باشند آموزه‌ها را به صورت عملی در جامعه پیاده کنند (دیبا، ۱۳۹۲).

یکی از شاخص‌های مهم کارآمدی، ایجاد برنامه‌های آموزشی تلفیقی است که به تربیت اخلاقی، فکری و اجتماعی طلاب می‌پردازد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل فعالیت‌های پژوهشی، اجتماعی و تبلیغی باشند که تجربه عملی و ارتباط مستقیم با جامعه را برای طلاب فراهم می‌آورد. چنین رویکردی به ارتقای توانایی‌های طلاب در هدایت فرهنگی و اخلاقی جامعه کمک می‌کند (دانایی‌فرد، سوزنچی و جوانعلی‌آذر، ۱۳۹۵).

۳. نقش آموزش در تحول و کارآمدی حوزه‌ها

آموزش، محور اصلی تحول و کارآمدی حوزه‌ها به‌شمار می‌آید. نظام‌های آموزشی سنتی حوزه، که غالباً بر آموزش متون فقهی، اصول و تفسیر تمرکز دارند، کمتر به مسائل روز جامعه و نیازهای عملی طلاب می‌پردازند. یکی از چالش‌های اصلی، فاصله میان آموزه‌های دینی و کاربرد عملی آن‌ها در زندگی روزمره جامعه است. برای ارتقای کارآمدی، ضروری است که آموزش‌ها تلفیقی و کاربردی باشند و به طلاب مهارت‌های حل مسئله، تعامل اجتماعی و مدیریت فرهنگی آموزش داده شود (رشاد، ۱۴۰۳).

علاوه بر محتوای آموزشی، روش تدریس نیز اهمیت دارد. بهره‌گیری از روش‌های فعال و تعاملی مانند بحث گروهی، مطالعات موردی و تجربه‌محوری می‌تواند انگیزه طلاب را برای یادگیری افزایش دهد و توانایی آن‌ها در هدایت جامعه را بهبود بخشد. این روش‌ها همچنین باعث می‌شوند طلاب بتوانند آموزه‌های دینی را در قالب‌های عملی برای دیگران تبیین کنند (کاوند، حضرتی صومعه، ساروخانی و شهبازی، ۱۳۹۷).

۴. مدیریت تحول در حوزه‌های علمیه

مدیریت تحول یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی در کارآمدی حوزه‌هاست. حوزه‌ها نیازمند مدیریتی پویا و انعطاف‌پذیر هستند که بتواند تغییرات اجتماعی و فرهنگی را پیش‌بینی کرده و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی

متناسب با آن‌ها طراحی کند. بهبود مدیریت حوزه شامل تدوین استراتژی‌های بلندمدت، تعیین شاخص‌های عملکرد، و ایجاد ساختارهای نظارتی و ارزیابی مستمر است که بتواند کیفیت آموزش و فعالیت‌های اخلاقی و فرهنگی حوزه را تضمین کند (ترابی، ۱۳۸۷).

تجربه‌های تاریخی نشان داده است که حوزه‌هایی که مدیریت کارآمد و انعطاف‌پذیر دارند، توانسته‌اند نقش مؤثرتری در هدایت دینی و اخلاقی جامعه ایفا کنند. این حوزه‌ها با استفاده از شیوه‌های نوین مدیریتی و ارتقای ظرفیت طلاب، توانسته‌اند تغییرات اجتماعی و فرهنگی را به فرصت تبدیل کنند و با جامعه تعامل سازنده داشته باشند (میرعلی، ۱۳۹۴).

۵. تعامل حوزه با جامعه

تعامل حوزه با جامعه، یکی از شاخص‌های کلیدی کارآمدی و تحول است. حوزه‌های علمیه نمی‌توانند صرفاً در فضای آموزشی و داخلی فعالیت کنند؛ بلکه لازم است با مردم، نهادها و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی ارتباط فعال داشته باشند. این تعامل شامل برگزاری کارگاه‌ها، جلسات آموزشی، فعالیت‌های تبلیغی و پژوهشی و استفاده از رسانه‌های نوین است (شریعتی مزینانی و سلیمانی، ۱۴۰۲).

تعامل مستمر با جامعه نه تنها باعث افزایش اعتماد عمومی به حوزه‌ها می‌شود، بلکه زمینه‌ساز شناخت بهتر نیازهای فرهنگی و اخلاقی جامعه و برنامه‌ریزی مؤثر برای تربیت طلاب است. حوزه‌هایی که توانسته‌اند این ارتباط را حفظ کنند، در هدایت اخلاقی و دینی جامعه موفق‌تر بوده‌اند و تأثیر فرهنگی آن‌ها پایدارتر بوده است (مولوی وردنجان، ۱۴۰۳).

۶. جایگاه پژوهش در تحول حوزه‌ها

پژوهش و تولید دانش در حوزه‌ها، عامل مهمی در تحول و کارآمدی است. پژوهش می‌تواند نواقص آموزشی، مدیریتی و فرهنگی حوزه‌ها را شناسایی و برای اصلاح آن‌ها راهکار ارائه کند. همچنین، پژوهش‌های تطبیقی با بررسی تجربیات سایر حوزه‌ها، به شناخت نقاط قوت و ضعف و طراحی برنامه‌های نوآورانه کمک می‌کند (آقابگی کلاکی، ۱۳۹۶). بر این اساس، ایجاد فرهنگ پژوهشی و حمایت از تحقیقات کاربردی، از مؤلفه‌های ضروری در فرآیند تحول حوزه‌های علمیه است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره حوزه‌های علمیه، هر یک به جنبه‌ای از نقش و تحول این نهاد پرداخته‌اند:

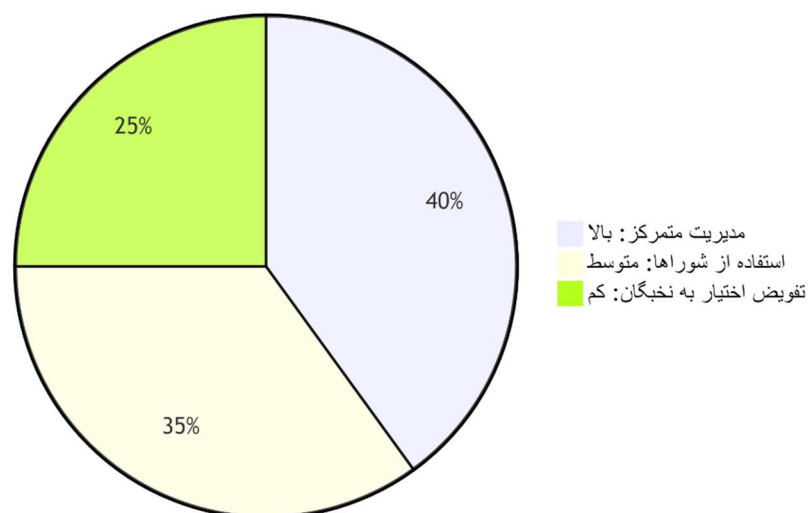
اعتماد عمومی و تثبیت اثرگذاری فرهنگی حوزه‌ها شده است (شریعتی مزینانی و سلیمانی، ۱۴۰۲). تجربه‌های تاریخی نیز نشان می‌دهد که دوام فرهنگ دینی در ایران همواره به تعامل حوزه‌ها با مردم و نهادهای اجتماعی وابسته بوده است (مولوی وردنجانی، ۱۴۰۳).

پژوهش و نوآوری علمی، عامل مهم دیگری در تحول و کارآمدی حوزه‌هاست. حوزه‌هایی که به پژوهش‌های کاربردی توجه کرده و حمایت از تحقیقات نوآورانه را در دستور کار داشته‌اند، توانسته‌اند برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را به نیازهای جامعه نزدیک کرده و تأثیرگذاری اجتماعی خود را افزایش دهند (آقابگی کلاکی، ۱۳۹۶). تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ایجاد فرهنگ پژوهشی و استفاده از تجربیات تطبیقی با سایر حوزه‌ها، امکان شناسایی نقاط ضعف و ارائه راهکارهای بهینه را فراهم می‌کند و زمینه را برای تحول پایدار در حوزه‌های علمیه مهیا می‌سازد.

یافته ها

جدول ۱: شاخص‌های تحول ساختاری و مدیریتی

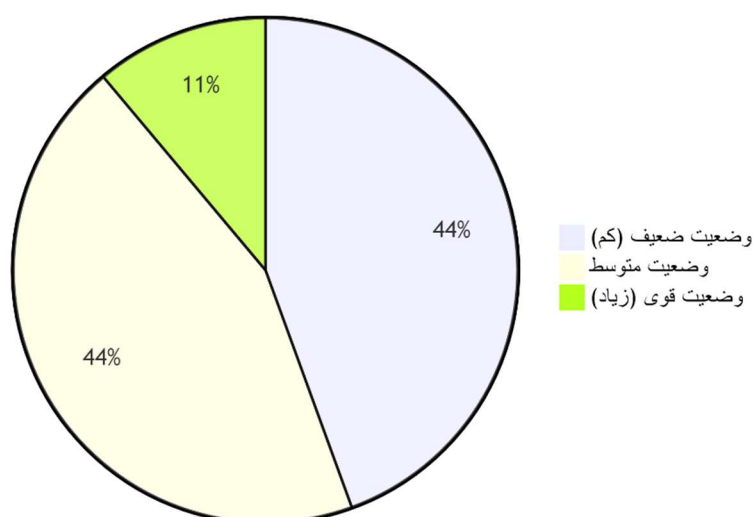
شاخص	وضعیت فعلی	اهمیت	نتیجه تحلیل
مدیریت متمرکز	بالا	زیاد	مانع نوآوری و پاسخگویی سریع
استفاده از شوراهای	متوسط	زیاد	افزایش مشارکت و تصمیم‌گیری بهینه
تفویض اختیار به نخبگان	کم	زیاد	زمینه‌ساز انعطاف‌پذیری و نوآوری



نمودار ۱: توزیع وضعیت شاخص‌های تحول ساختاری و مدیریتی

جدول ۲: شاخص‌های تحول آموزشی

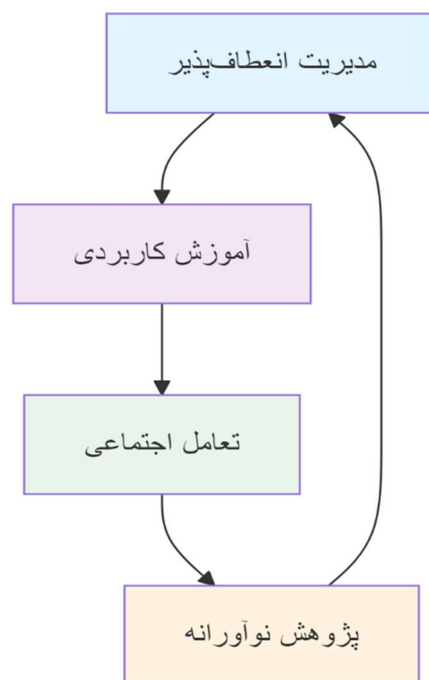
شاخص	وضعیت فعلی	اهمیت	نتیجه تحلیل
محتوای نظری	زیاد	زیاد	کم‌پیوند با زندگی روزمره و هدایت عملی
روش‌های فعال و تعاملی	کم	زیاد	افزایش مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی طلاب
تلفیق آموزش علمی و اخلاقی	متوسط	زیاد	ارتقای توانمندی هدایت دینی و اخلاقی



نمودار ۲: توزیع وضعیت شاخص‌های تحول

جدول ۳: تعامل حوزه با جامعه

شاخص	وضعیت فعلی	اهمیت	نتیجه تحلیل
فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی	متوسط	زیاد	افزایش اعتماد عمومی و اثرگذاری فرهنگی
حضور در رسانه‌ها	کم	متوسط	فرصت کم برای تبلیغ و ارتباط با جامعه
برنامه‌های آموزشی کاربردی	متوسط	زیاد	افزایش ارتباط آموزه‌های دینی با رفتار اجتماعی



نمودار ۳: چرخه تحول یکپارچه حوزه‌های علمیه

این چهار رکن به صورت چرخه‌ای با هم ارتباط دارند و موفقیت در گرو توجه همزمان به همه آنهاست.

جدول ۴: پژوهش و نوآوری

شاخص	وضعیت فعلی	اهمیت	نتیجه تحلیل
پژوهش کاربردی	کم	زیاد	شناسایی نواقص آموزشی و مدیریتی
حمایت از تحقیقات نوآورانه	کم	زیاد	زمینه‌ساز تحول پایدار حوزه‌ها
استفاده از تجربیات تطبیقی	متوسط	زیاد	ارتقای برنامه‌های آموزشی و تربیتی

نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی پژوهش نشان می‌دهد که تحول و کارآمدی حوزه‌های علمیه در هدایت دینی و اخلاقی جامعه، یک فرآیند چندبعدی و پیچیده است که تنها با تمرکز بر یک بعد نمی‌توان به موفقیت رسید. برای دستیابی به این هدف، حوزه‌ها باید مدیریت انعطاف‌پذیر و مشارکتی داشته باشند، به گونه‌ای که توان تصمیم‌گیری سریع و بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان فراهم شود. این رویکرد مدیریتی باعث می‌شود حوزه‌ها بتوانند با تغییرات اجتماعی هماهنگ شوند و اثرگذاری خود را بر جامعه افزایش دهند.

نظام آموزشی حوزه‌ها نیز نقش کلیدی در توانمندسازی طلاب دارد. آموزش صرفاً مبتنی بر متون نظری نمی‌تواند طلاب را برای هدایت عملی جامعه آماده کند؛ بلکه ترکیب آموزش علمی با تربیت اخلاقی و استفاده

از روش‌های فعال و تجربه‌محور، مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی طلاب را تقویت می‌کند و آن‌ها را آماده ایفای نقش در جامعه می‌سازد.

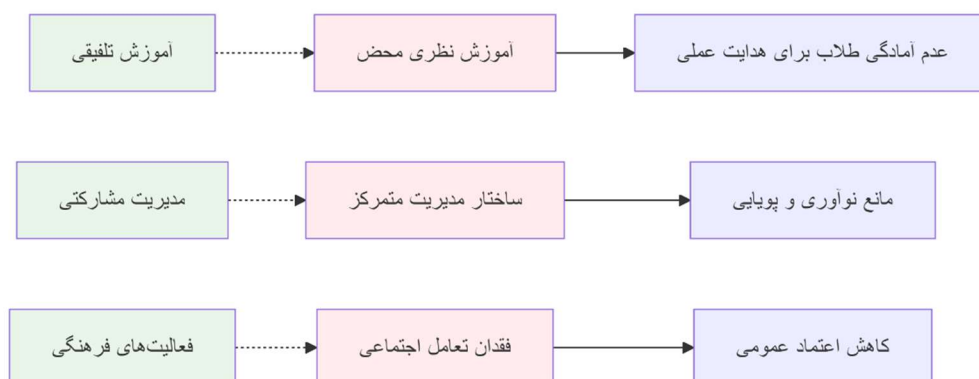
همچنین تعامل فعال حوزه‌ها با جامعه یکی از الزامات کارآمدی است. حوزه‌ها با حضور در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای می‌توانند رابطه خود با مردم را تقویت کنند و اعتماد عمومی را افزایش دهند. این تعامل موجب می‌شود آموزه‌های دینی به صورت عملی در جامعه جاری شود و تأثیرگذاری حوزه‌ها پایدار بماند.

در نهایت، پژوهش و نوآوری علمی عامل مؤثر دیگری است که زمینه تحول پایدار را فراهم می‌کند. حوزه‌هایی که به تولید دانش کاربردی و حمایت از تحقیقات نوآورانه اهمیت می‌دهند، می‌توانند برنامه‌های آموزشی و تربیتی خود را با نیازهای واقعی جامعه هماهنگ کنند و تأثیرگذاری اجتماعی خود را ارتقا دهند.

به طور کلی، تحول و کارآمدی حوزه‌های علمیه نیازمند یک رویکرد جامع و همزمان است که مدیریت انعطاف‌پذیر، آموزش کاربردی و اخلاقی، تعامل مستمر با جامعه و توسعه پژوهش‌های نوآورانه را در بر گیرد. این چهار محور به طور همزمان می‌توانند زمینه را برای هدایت مؤثر دینی و اخلاقی جامعه فراهم کنند و نقش حوزه‌ها را به عنوان نهادهای پیشرو در فرهنگ و اخلاق تثبیت نمایند.

راهکارهای پیشنهادی

- ایجاد مرکز تحول نهادی حوزه‌ها با محوریت پژوهش و نوآوری.
- تدوین برنامه اخلاق محور آموزشی برای طلاب.
- افزایش ارتباط میان حوزه و جامعه از طریق فعالیت‌های فرهنگی.
- گسترش آموزش‌های میان‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی.
- استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی و رسانه‌ای برای تبلیغ دین.
- ارزیابی مستمر کارآمدی حوزه‌ها از طریق شاخص‌های اخلاقی و اجتماعی.



نمودار ۴ رابطه متقابل چالش‌ها و راهکارها

۱. شریعتی مزینانی، س.، و سلیمانی، م. (۱۴۰۲). بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیه قم (طلاب دوره سطح). نشریه شیعه‌شناسی، (۵۰).
۲. مولوی وردنجانی، ع. (۱۴۰۳). نگرشی تاریخی به نقش حوزه علمیه در نهادینه‌سازی فرهنگ دینی در جامعه ایران. فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ۶(۲۲).
۳. دیبا، ح. (۱۳۹۲). حکومت دینی و آسیب‌شناسی کارآمدی آن در عرصه تربیت اخلاقی جامعه. نشریه حکومت اسلامی، (۶۷)، ۱-۲۵.
۴. کاوند، ن.، حضرتی صومعه، ز.، ساروخانی، ب.، و شهبازی، م. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی گرایش‌های فکری طلاب حوزه علمیه در مورد جایگاه زن در جامعه (مطالعه موردی: طلاب مرد سطح سه و چهار حوزه‌های علمیه ساکن قم و تهران با رده سنی ۳۰ تا ۵۰ سال). نشریه مطالعات فرهنگی و اجتماعی حوزه، ۲(۱).
۵. میرعلی، م. (۱۳۹۴). برنامه اصلاحی حوزه علمیه قم و ال‌زهر و کارآمدی آن‌ها در تحولات سیاسی ایران و مصر. نشریه سیاست متعالیه، (۱۰)، ۵۵-۷۸.
۶. محمدی، ع. (۱۳۷۵). بررسی جایگاه تربیت بدنی و ورزش در مدارس علوم دینی حوزه علمیه قم از دیدگاه اساتید و طلاب علوم دینی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد).
۷. ترابی، ا. (۱۳۸۷). مدیریت تحول یا تحول مدیریت در حوزه‌های علمیه. نشریه حوزه، (۱۴۵)، فروردین و اردیبهشت.
۸. دانایی‌فرد، ح.، سوزنچی، ح.، و جوانعلی‌آذر، م. (۱۳۹۵). تبیین بایسته‌های ایجاد تحول در مجامع علمی؛ بررسی موردی سیره علامه طباطبائی (ره) در ایجاد تحول در حوزه علمیه قم. نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، (۱۹)، بهار و تابستان.
۹. دبیرخانه شورای پیشبرد و ارتقاء حوزه. (۱۳۸۸). حوزه و مدیریت تحول: بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) و سخنان فضلاء حوزه‌های علمیه هشتم آذرماه ۱۳۸۶. قم: انتشارات صحیفه معرفت.
۱۰. رشاد، ع.ا. (۱۴۰۳). نظام علمی - آموزشی «پرورش مآل»: طرحی برای تحول بنیادین حوزه بر اساس نظریه‌ی آموزش «پرورش مآل» (ویژه‌ی مدیران حوزه‌های علمیه). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. آقاباگی کلاکی، م. (۱۳۹۶). حوزه و تحول در علوم انسانی: جریان‌شناسی و آسیب‌شناسی تولید علوم انسانی اسلامی در حوزه‌های علمیه. تهران: انتشارات دیدمان، اندیشکده برهان.